

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۲ اسفند ۱۳۹۷

مصادف با: ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۶۷

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

« الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین »

الثالث عشر: الخلو. فلو ضمَّ إليه الرياء بطل؛ سواء كانت القربة مستقلة و الرياء تبعاً أو بالعكس أو كان كلاهما مستقلاً و سواء كان الرياء في أصل العمل أو في كیفیّاته أو في أجزائه، بل و لو كان جزءاً مستحباً علی الأقوی و سواء نوى الرياء من أول العمل أو نوى في الأثناء و سواء تاب منه أم لا. فالرياء في العمل، بأي وجه كان، مبطل له لقوله تعالى علی ما فی الأخبار: «أنا خير شريك؛ مَنْ عمل لی و لغيری، تركته لغيری...»<sup>۱</sup>.

سیزدهمین شرط از شرائط وضو، اخلاص است. پس اگر ریا به آن ضمیمه شود، وضو باطل است؛ اعم از اینکه قصد قربت حالت استقلال داشته باشد و ریا از توابع آن باشد [، یعنی قصد قربت اصل و ریا به تبع و در ضمن آن باشد] یا بر عکس [ریا اصل و قصد قربت به تبع و در ضمن آن باشد] یا هر دو مستقل باشند و اعم از اینکه ریا، در اصل عمل باشد یا در کیفیت‌های عمل باشد یا در اجزاء عمل باشد، بلکه اقوی این است که اگر ریا در جزئی مستحب از عمل باشد نیز عمل باطل است و اعم از اینکه متوضی، از اول عمل قصد ریا کرده باشد یا در اثناء عمل قصد ریا کرده باشد و اعم از اینکه متوضی، از ریا توبه کند یا توبه نکند [که در همه این حالات، وضو باطل می‌شود]. پس ریا در عمل به هر وجهی که باشد، موجب بطلان عمل می‌شود و دلیل آن قول خداوند متعال است که در حدیث قدسی آمده است که خداوند فرموده است که من بهترین شریکم؛ هر کس عملی را برای من و غیر من انجام بدهد، من آن را به نفع غیر خودم رها می‌کنم [و همه آن عمل را به غیر واگذار می‌کنم].

**نکاتی در رابطه با شرط سیزدهم**

**نکته اول**، در رابطه با اعتبار اخلاص در وضو است. البته اخلاص منحصر به وضو نیست، بلکه آنچه که عبادت بر آن صدق می‌کند، باید همراه با اخلاص باشد و ریا موجب بطلان آن می‌شود. اعتبار اخلاص در اعمال از مسائل مسلم است و به منزله ارسال مسلمات است و از بدیهیات و فراتر از اجماع است زیرا باید عنوان اطاعت بر عبادت صدق بکند و زمانی عنوان اطاعت بر عبادت منطبق می‌شود که عبادت با اخلاص انجام شود و اگر اخلاص همراه آن نباشد، چون عمل فاقد قصد قربت است و برای خدا نیست، آن عمل باطل می‌شود و به تعبیر روشن‌تر، قصد قربت باید محرک و انگیزه عمل باشد، یعنی چون عمل برای خداست، انجام می‌شود و نه اینکه عمل به انگیزه ریا و جلب توجه مردم انجام شود. پس نکته اول این است که لزوم خلوص عمل یک مسأله مسلم و بدیهی است.

۱. سید محمد کاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۹.

**نکته دوم،** این است که اگر ریا به عبادت ضمیمه شود، عمل باطل می‌شود. این مطلب نیز مشهور بین علما است و به حد اجماع رسیده است و علاوه بر برخی از آیات قرآن، اخبار متواتره و متضافره شاهد بر این مطلب است؛ مثلاً در بعضی از تعبیرات قرآن آمده است: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ \* الَّذِينَ هُمْ يُرَءُونَ \* وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»؛ «پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند؛ همان کسانی که ریا می‌کنند و دیگران را از وسایل ضروری زندگی منع می‌نمایند!» در مورد دیگر آمده است: «وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ...»<sup>۱</sup>.

همچنین، آیه شریفه «...كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ...»<sup>۲</sup>، به ریا مربوط است.

معنای لغوی ریا روشن است و آن، عبارت از هر کاری است که برای غیر خدا انجام شود و دایره ریا نیز عام است و هم عبادات و هم غیر عبادات را شامل می‌شود و در غیر عبادات، هرچند که بهتر است که انسان قصد قربت کند و عمل غیر عبادی را انجام بدهد، لکن اگر قصد قربت نکند و عمل غیر عبادی را انجام بدهد، عمل حرام مرتکب نشده است، مثل اینکه پهلوانی به قصد نمایاندن قدرت خود به مردم و بدون قصد قربت با کسی کشتی بگیرد که هرچند که قصد قربت نکرده است، ولی عمل حرامی مرتکب نشده است و آنچه حرام است، ریا در عبادات است. در بعضی از موارد آمده است که گاهی مستحب است که انسان عمل غیر عبادی خود را به دیگران بنمایاند؛ مثلاً مستحب است که شخص حضور خود در مجلس ترحیم را به منظور تسلی خاطر فرد مصیبت دیده، به او بنمایاند. بنابراین، آنچه محور بحث است، بحث از ریا در عبادات است. علاوه بر آیاتی که در مقام مذمت ریا وارد شده‌اند، روایاتی نیز وارد شده‌اند که بر مذمت ریا دلالت دارند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ وَ حُرْمَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «... يَا زُرَّارَةُ كُلُّ رِيَاءٍ شِرْكٌ»<sup>۳</sup>.

روایت دوم: عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ (ص): «إِنَّ الْمَلَكَ لَيَصْعَدُ بِعَمَلِ الْعَبْدِ مُبْتَهَجاً بِهِ فَإِذَا صَعِدَ بِحَسَنَاتِهِ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: "اجْعَلُوهَا فِي سَجِّينَ إِنَّهُ لَيْسَ إِيَّايَ أَرَادَ بِهِ"»<sup>۴</sup>.

در روایت مذکور، امام صادق (ع) از قول پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است که خداوند متعال به فرشته فرموده است که چون شخص عمل ریایی انجام داده است، عملش را در سَجِّین قرار بده.

روایت سوم: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ؛ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «يُجَاءُ بِالْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَدْ صَلَّى؛ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ قَدْ صَلَّيْتُ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ. فَيَقَالُ لَهُ: بَلْ صَلَّيْتُ لِيُقَالَ مَا أَحْسَنَ صَلَاةَ فُلَانٍ اذْهَبُوا بِهِ إِلَى النَّارِ...»<sup>۵</sup>.

۱. «الماعون»: ۴-۷.

۲. «النساء»: ۳۸.

۳. «البقرة»: ۲۶۴.

۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب مقدمة العبادات، باب ۱۱، ص ۶۷، ح ۱۱.

۵. همان، باب ۱۲، ص ۷۱، ح ۳.

۶. همان، ص ۷۲، ح ۱۰.

روایت چهارم: صحیحہ علی بن جعفر (ع): عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ (ع)؛ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «يُؤْمَرُ بِرَجَالٍ إِلَى النَّارِ؛ -إِلَى أَنْ قَالَ: -فَيَقُولُ لَهُمْ خَازِنُ النَّارِ: يَا أَشْقِيَاءُ مَا كَانَ حَالُكُمْ؟ قَالُوا: كُنَّا نَعْمَلُ لِنَعْمَلِ اللَّهُ! فَقِيلَ لَنَا: خُذُوا ثَوَابَكُمْ مِمَّنْ عَمِلْتُمْ لَهُ»<sup>۱</sup>.

از ظاهر روایت مذکور نیز استفاده می‌شود که عملی که برای غیر خدا انجام شود، باطل است.

پس نظر مرحوم سید (ره) این بوده است که عمل ریائی به هر نحوی که باشد، باطل است. این مسأله مخالفی ندارد مگر مرحوم سید مرتضی (ره) که فرموده است که عملی که از روی ریا انجام شود، صحیح است و مسقط اعاده و قضاست، اما مقبول نیست و او بین مقبولیت و عدم صحت عمل تفکیک قائل شده است و گفته است که بین این دو فرق وجود دارد و نسبت بین آنها عموم و خصوص مطلق است؛ به این نحو که هر عمل مقبولی صحیح است، ولی هر عمل صحیحی مقبول نیست.

مرحوم سید مرتضی (ره) معتقد بوده است که عمل ریائی، صحیح است، ولی مقبول نیست و ادله‌ای برای مدعای خود ارائه داده است که به شرح ذیل می‌باشند:

**دلیل اول**، آیه شریفه «...إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»<sup>۲</sup> است.

او گفته است که از این آیه استفاده می‌شود که عمل فاجرین مورد قبول واقع نمی‌شود و ریا کننده نیز از فاجرین شمرده می‌شود لذا عمل او مقبول واقع نمی‌شود و عدم قبول به معنای بطلان نیست، بلکه به معنای عدم ترتب ثواب است، با اینکه عمل، صحیح است و مقتضی سقوط قضا و اعاده است، یعنی شخصی که عملی را ریائاً انجام داده است، لازم نیست که آن را در وقت، اعاده یا در خارج از وقت، قضا کند چون تقوی در صحت عبادت شرط نیست.

مرحوم سید مرتضی (ره) گفته است که روایاتی نیز دال بر عدم مقبولیت نماز شارب خمر وارد شده‌اند که روایت ذیل از آن جمله است:

عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَنْ شَرِبَ خَمْرًا حَتَّى يَسْكُرَ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»<sup>۳</sup>.

از این روایت استفاده می‌شود که نماز شارب خمر تا چهل روز قبول نمی‌شود و در صحت صلاة، ترک شرب خمر شرط نیست. **پاسخ از دلیل اول**، این است که عدم قبولی که از آیه و روایت مذکور، استفاده شد، هرچند که به معنای عدم ترتب ثواب است، لکن به حسب ظاهر با صحت عبادت ریائی منافات دارد. خارجاً می‌توان بین عدم قبولی عمل و صحت عمل تفکیک کرد، لکن این در صورتی است که روایات متواتره دال بر حرمت ریا وارد نشده باشند لذا با وجود روایات ناهیه از ریا، فهمیده می‌شود که عمل ریائی باطل است. نهی‌های موجود در روایات مربوط به حرمت ریا، موجب فساد عبادتند.

**دلیل دوم**، این است که ریا عبارت از اظهار عمل و وانمود کردن عمل برای دیگری است تا آن شخص با دیدن عمل ریاکار به او ظن خیر پیدا کند و نهی شارع مقدس به نفس عمل تعلق نگرفته است تا موجب بطلان عمل گردد، بلکه نهی به اظهار عمل تعلق گرفته است؛ به این معنا که انسان نباید عمل خود را به مردم اظهار کند و اظهار، غیر از عمل است.

۱. همان، ص ۷۰، ح ۱.

۲. «المائدة»: ۲۷.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، کتاب الأطعمة و الأشرية، ابواب أشرية المحرمة، باب ۹، ص ۲۹۸، ح ۵.

**پاسخ از دلیل دوم،** این است که در روایات، بین عمل و اظهار عمل تفکیک نشده است و روایات ظهور، بلکه صراحت در حرمت نفس عمل ریایی دارند، یعنی نهی به عمل خارجی تعلق گرفته است؛ به این معنا که عملی که شخص در خارجاً انجام داده است، حرام است. بنابراین، نهی به اظهار عمل نخورده است، بلکه به خود عمل تعلق گرفته است.

**دلیل سوم،** این است که او مسأله را به باب اجتماع امر و نهی برده است و فرموده است که عمل ریایی کسی که به جواز اجتماع امر و نهی قائل باشد، صحیح است. در مثال صلاة در دار غصبی، از یک طرف امر به صلاة آمده و از طرف دیگر نهی از غصب آمده است که در این صورت، نسبت بین امر و نهی مذکور، عموم و خصوص من وجه است و به دو سالبه جزئی و یک موجب جزئی برمی گردد، یعنی در یک مورد، صلاة است و غصب نیست و در مورد دیگر، غصب است و صلاة نیست و در یک مورد نیز هم صلاة است و هم غصب است که محل اجتماع است.

مرحوم سید مرتضی (ره) فرموده است که کسانی که به جواز اجتماع امر و نهی قائل شده اند، در موردی که شخص نمازش را ریائی بخواند، مشکلی ندارند و در عین حال که ریا در نماز حرام است، لکن نمازی که خوانده شده است، صحیح است. بنابراین، مقبول واقع نشدن عمل یک چیز است و صحت عمل یک چیز دیگر است لذا وضوئی که شخص ریائاً گرفته است، صحیح است، ولی قبول نیست، همان طور که در بحث اجتماع امر و نهی اگر شخص قائل به جواز اجتماع امر و نهی شود، نمازی که در دار غصبی خوانده است، صحیح است، ولی به خاطر تصرف در دار غصبی معصیت کرده است و عقاب خواهد شد.

**بحث جلسه آینده:** پاسخ از دلیل سومی که مرحوم سید مرتضی (ره) بیان کرده است، ان شاء الله، در جلسه آینده ذکر خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»